

بررسی رابطه افت تحصیلی و دلزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول شهرستان ایذه

ساجده مهریوند

^۱ کارشناسی، مشاوره، دانشگاه آزاد

sajedemehrivand@gmail.com

۰۹۱۶۰۹۳۶۳۳۱

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه افت تحصیلی و دلزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول شهرستان ایذه انجام گرفت. پژوهش حاضر از نوع همبستگی و کاربردی می باشد. جهت انتخاب نمونه آماری با مراجعه به مراکز مشاوره شهرستان از بین پرونده های مراجعان تعداد ۱۰۰ خانواده به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸)، مقیاس دلزدگی تحصیلی پکران و همکاران (۲۰۰۵) و نمرات عملکرد تحصیلی دانش آموزان استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. نتایج نشان داد که بین افت تحصیلی و دلزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول شهرستان ایذه رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

واژگان کلیدی: افت تحصیلی، دلزدگی تحصیلی، طلاق عاطفی والدین.

۱- مقدمه:

خانواده کوچکترین واحد اجتماع است، این واحد اجتماعی مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط و تعاملات بین فردی است. اهمیت آن به اندازه ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه وابسته به سلامت و رشد خانواده در آن است (ستیر^۱، ۲۰۱۰). روابط رضایت بخش زناشویی برای زن و شوهر و فرزندانشان از اهمیت زیادی برخوردار است و منجر به افزایش انعطاف پذیری آنها در برابر فشارهای زندگی می شود (هالفورد^۲، ۲۰۱۱؛ ترجمه تبریزی ۱۳۹۴). در واقع، زمانی خانواده از تحکیم و تداوم برخوردار خواهد بود که درک مطلوبی بین زن و شوهر نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد. این درک قطعاً ناشی از درک روانی و عاطفی است که زوجین از ابتدای تشکیل خانواده در آن نقش دارند از دواج مبنای شکل گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (موسای و همکاران، ۲۰۱۱^۳). همچنین علاوه بر افراد، بر پیکره جامعه هزینه های بسیاری را تحمیل می کنند (سچرام^۴، ۲۰۱۶). طلاق هم می تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می پاشد و هم می تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن، خانواده صرفاً ساختار بیرونی اش حفظ می شود ولی در واقع از درون تهی می باشد، در این حالت، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می کنند ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. (شصت فولادی و منشئی، ۱۳۹۴). کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در بیشتر مواقع این سیر را طی می کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، جدایی یا بی میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری، طلاق عاطفی و طلاق قانونی (ترکمن، اسکافی، عیدگاهیان و سهرابی، ۱۳۸۳).

طلاق عاطفی، که مرحله قبل از طلاق رسمی است به نوعی جدایی خاموش اطلاق می شود که به لحاظ قانونی و شرعی اتفاق نیفتاده است و مرد و زن بنا بر ملاحظاتی و به ناچار در زیر یک سقف به ظاهر زندگی می کنند ولیکن به دلیل شدت سردی روابط و عدم تبادل احساسات و عواطف، احساس ناراضیتهای همراه با ناامیدی دارند (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹).

طلاق عاطفی، فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند؛ هر چند یکی از آنها ممکن است این ناپختگی را تأیید، و دیگری با ابراز رفتار مسئولانه مفرط، چنین چیزی را انکار کند (کلدنبورگ، ۱۳۹۵). طلاق عاطفی نوع دیگری از طلاق و پدیده بسیار مهمی است که در هیچ کجا به ثبت نمی رسد. این نوع طلاق به خانواده هایی مربوط است که به دلایلی مانند سنتهای حاکم بر خانواده با باورهای نادرست و

¹ Stier

² Halford

³ Musai & et al

⁴ Schramm

نگرشهای منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می گیرند که به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (صفائی راد و وارسته فر، ۱۳۹۲).

در مرحله طلاق عاطفی، زوج به طور رسمی هنوز زن و شوهر هستند؛ اما از نظر عاطفی احساس انزوا می کنند؛ زیرا تفاوت کمی بین زندگی با همسرشان و تنها زندگی کردن احساس می کنند. طلاق عاطفی به دلیل تناقضات گفته ها، رفتار و احساسات، یکی از دردناکترین حالتی است که انسان می تواند در آن قرار گیرد و این در حالی است که مهمترین ویژگی در ازدواج، که عشق و همراهی است در رابطه وجود ندارد. افرادی که به این نقطه می رسند، لزوماً از هم طلاق نمی گیرند؛ اما اگر بشدت به دنبال حل اختلاف و در بیشتر موارد کمک حرفه ای نباشند، زندگی زناشویی آنها تمام شده تلقی می شود (گاتمن، ۱۳۸۸). طلاق عاطفی اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹) و آن را مهمترین عامل از هم گسیختگی خانواده در نظر گرفته اند (آزادی، سهامی، قهرمانی و قلی پور، ۱۳۸۹). در واقع زندگی برخی زوجین پس از ازدواج با عشق آغاز می شود؛ ولی بتدریج آن صمیمیت اولیه از بین می رود و زندگیشان دچار یکنواختی و ملال می گردد که در نتیجه سبب سوق دادن افراد به استفاده از مواردی چون مشروبات الکلی، پرخوری، سوء استفاده از مواد و روابط نامشروع به منظور تجربه دوباره صمیمیت فردی و جنسی می شود (گلاسر، ۲۰۰۴). پژوهشگران بسیاری تاثیرات طلاق را بر فرزندان مورد ارزیابی قرار داده اند. اما با توجه به جو حاکم بر خانواده ها به خصوص در کشور ما و پنهان بودن مسئله طلاق عاطفی این موضوع مغفول مانده است. از جمله پژوهش های صورت گرفته در این حیطه می توان به موارد زیر اشاره کرد: فتحی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان تاثیرات منفی طلاق و فروپاشی خانواده بر افت تحصیلی فرزندان در مقطع ابتدایی انجام داد. نتایج نشان داد که دانش آموزانی که در خانواده های طلاق زندگی می کنند نمرات تحصیلی پایین تری دارند. نظری و ضیایی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان تاثیر اختلالات عاطفی موجود در خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس را انجام دادند. نتایج نشان داد خانواده پایه گذار بخش مهمی از سرنوشت ما است و در تعیین سبک و خط مشی زندگی و آینده، اخلاق، صحت و سلامت روانی مان نقش بزرگی برعهده دارد. رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به خانواده و محیط خانوادگی بستگی دارد. هریک از اعضای خانواده، بخصوص پدر و مادر، در تربیت کودک نقش بسزا دارند. خانه همواره در کنار مدرسه از عوامل مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت مطرح بوده و کارایی خود را نیز نشان داده است. هر قدر پیوند خانه و مدرسه محکمتر باشد، بازدهی تعلیم و تربیت بیشتر خواهد بود. قمری و خشنودی نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مقایسه مهارت های اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق و عادی به این نتیجه رسیدند که نمرات عملکرد تحصیلی و مهارت های اجتماعی در فرزندان عادی بیش از فرزندان والدین مطلقه و فرزندان مطلقه بیشتر از فرزندان والدین متقاضی طلاق می باشند. شصت فولادی و منشی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان بررسی رابطه طلاق عاطفی والدین با عملکرد تحصیلی، اضطراب و امنیت اجتماعی در دانش آموزان دختر پایه هفتم و هشتم شهر اصفهان انجام دادند یافته های تحقیق نشان می دهد بین اضطراب دختران دانش آموز و طلاق عاطفی والدین، رابطه ی معناداری وجود دارد و میزان اضطراب دانش آموزانی که طلاق عاطفی بین والدینشان وجود دارد بیشتر از سایر دانش آموزان است اما نتیجه می شود بین عملکرد تحصیلی و نیز امنیت اجتماعی دختران دانش آموز با طلاق عاطفی والدین، رابطه ی معناداری وجود ندارد.

امروزه دیدگاه مردم در مورد آموزش و پرورش به گونه ای است که استفاده از امکانات تربیتی جامعه را حق طبیعی و مسلم خود می دانند. دلیل عمده این امر آن است که تعلیم و تربیت با سرنوشت انسان در زندگی آینده پیوند خورده است. در عصر حاضر بسیاری از امکانات مادی و نیروهای انسانی در خدمت تعلیم و تربیت قرار گرفته است. همچنین تعلیم و تربیت در بسیاری از جوامع یک سرمایه گذاری بلند مدت محسوب می شود. که به بهای چشم پوشیدن و صرف نظر کردن از رشد کوتاه مدت دیگر امکانات جامعه حاصل می شود. بنابراین اگر تعلیم و تربیت نتواند نیروهای انسانی تحت آموزش خود را در قالب انواع تخصص ها و مهارت های مکمل و مورد لزوم جامعه درآورد و بدین ترتیب نتواند به ایفای نقش خود در زمینه شکوفایی جامعه بپردازد، در واقع باید گفت که این امکانات و نیروها به هدر رفته است. لذا تفکر عاقلانه حکم می کند که سرمایه ها و نیروهای به کار گرفته شده در تعلیم و تربیت به گونه ای برنامه ریزی و سازماندهی شود تا بتواند به اهداف مورد نظر خویش دست پیدا کند (فریدون نژاد، ۱۴۰۰).

یکی از آفت های بزرگ تعلیم و تربیت در هر نظامی، که همه ساله به میزان بسیار زیاد که امکانات، منابع و استعدادها بالقوه انسانی و اقتصادی را تلف می کند و اثرات غیر قابل جبرانی را در ابعاد فردی و اجتماعی به جا می گذارد پدیده افت تحصیلی است. به همین دلیل است که یکی از ملاک های عدم موفقیت هر نظام آموزشی را میزان افت تحصیلی در آنها می دانند. امروزه مسئله افت تحصیلی گریبان گیر کلیه نظام های آموزشی است و به لحاظ ارتباطی که اساساً جریان تعلیم و تربیت با دیگر نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد افت تحصیلی نیز از ابعاد مختلف مورد بررسی و مطالعه پژوهشگران قرار می گیرد (شفیعی و دوستی، ۱۳۹۹). افت تحصیلی یعنی عدم موفقیت در تحصیل به معنای دستیابی فراگیر به مجموعه مهارتهایی است که انتظار می رود در نتیجه آموزش، آن را یاد بگیرند نظام آموزشی کشور ما نیز همانند بسیاری از کشورهای درحال توسعه یا

توسعه یافته با مسئله افت تحصیلی روبه روست. مسئله شکست و موفقیت تحصیلی سابقه ای طولانی و نامشخص دارد و تاریخ آن مقارن با آغاز خواندن و نوشتن بشر است؛ اما به طور رسمی پس از اجباری شدن آموزش و پرورش در اواخر قرن نوزدهم و همگام با تحولات صنعتی و نیاز به نیروهای تربیت شده و متخصص، افکار دولت مردان و دست اندرکاران آموزش و پرورش به مسئله پیشرفت و شکست تحصیلی معطوف شده است (ابراهیم غفوری و همکاران، ۲۰۱۵). علل و عوامل متعددی سبب ایجاد افت تحصیلی یا اتلاف در نظام آموزش و پرورش می شود که می توان آنها را به علل و عوامل درونی و بیرونی نظام آموزش و پرورش تقسیم کرد. عوامل درونی نظام آموزش و پرورش را نیز میتوان به عوامل مربوط به برنامه های درسی و برنامه های آموزشی تقسیم کرد. در عوامل مربوط به برنامه درسی میتوان به عدم تسلط کافی معلم در تدریس، به کارگیری روش های سنتی و حافظه-مدار و عدم توجه به ایجاد فرصت های یادگیری مناسب اشاره کرد. عوامل مربوط به برنامه های آموزشی شامل مواردی نظیر عدم ارتباط عاطفی صحیح میان معلم و دانش آموز، ضعف تخصصی معلمان و عدم توانایی در جذب دانش آموزان است. از میان عوامل بیرونی مؤثر در شکست تحصیلی می توان به عوامل اقتصادی - اجتماعی مانند فقر و محرومیت خانواده و عوامل فرهنگی - اجتماعی مانند طبقه اجتماعی، محیط اجتماعی و مسائلی مانند مشکلات خانوادگی و طلاق و نیز عوامل روانی- جسمانی مانند عدم علاقه و انگیزه، کمبود استعداد، اختلالات یادگیری، بحران، بلوغ، ضعف خودپنداره و بیماریهای جسمانی اشاره کرد. (شجاعی شمیرانی و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهش های زیادی پیرامون عامل های مرتبط با افت تحصیلی انجام شده است و هریک از پژوهشگران عامل های متعددی را در این زمینه موثر دانسته اند. آوارز، کابریا و توماس^۵ (۲۰۱۲) در مطالعه خود به عواملی نظیر عامل های روانی، آموزشی، خانوادگی، اقتصادی، سازمانی و اجتماعی به عنوان عوامل دخیل در افت تحصیلی اشاره کرده اند.

همچنین احساس دلزدگی یا ملالت از جمله هیجان های پیشرفتی است که در بافت های تحصیلی همواره تجربه می شود، و دانش آموزان به طور دائم درجاتی از آن را گزارش می کنند (برای مثال داچمن، گوئتز و استاپینسکی، ۲۰۱۱؛ نت، گوئتز، و هال، ۲۰۱۱). احساس دلزدگی به فعالیت های پیشرفتی مثل حضور در کلاس، مطالعه یا انجام تکلیف مربوط می شود (پکران و همکاران، ۲۰۰۴). دلزدگی یک هیجان منفی و منفعل کننده است (ووگل والکات، فیورلا، کارپر و اسکاتر، ۲۰۱۲) که با تجربه هایی از قبیل داشتن احساس های ناخوشایند، انگیزندگی فیزیولوژیکی سطح پایین، فقدان ادراک شده تحریک شناختی، افکار نامرتب با تکلیف (برای مثال خیال پردازی)، به طول انجامیدن ذهنی زمان و تکانه هایی برای فرار از موقعیت القاء کننده دلزدگی از راه عدم درگیری، توصیف می شود (ووگل والکات و همکاران، ۲۰۱۲). در رویکرد شناختی اجتماعی پکران به هیجان های پیشرفت فرض می شود که دلزدگی به گونه ای منفی بر انگیزه، فعال سازی منابع شناختی، یادگیری خودنظمبخش و پیامدهای پیشرفت تأثیر می گذارد (پکران، گوئتز، دنیلز، استاپینسکی و پری، ۲۰۱۰). شواهد پژوهشی نشان داده اند که دلزدگی تأثیرات مضر بر درگیری تحصیلی یادگیرندگان دارد (مان و رابینسون، ۲۰۰۹؛ تسه، کلاسن و دنیلز، ۲۰۱۴) و با عملکرد تحصیلی ضعیف (پکران و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۴)، ترک مدرسه و تحصیل (وگنر، فلیشر، چیکوو، لامبارد و کینگ، ۲۰۰۸) و بزهکاری نوجوانی (نیوبری و دانکن، ۲۰۰۱) در ارتباط است.

با توجه به مطالب بالا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین افت تحصیلی و دلزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول شهرستان ایذه رابطه وجود دارد؟

۲- روش شناسی :

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و کاربردی می باشد. جهت انتخاب نمونه آماری با مراجعه به مراکز مشاوره شهرستان از بین پرونده های مراجعان تعداد ۱۰۰ خانواده به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸)، مقیاس دلزدگی تحصیلی پکران و همکاران (۲۰۰۵) و نمرات عملکرد تحصیلی دانش آموزان استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸): این مقیاس توسط جان گاتمن (۱۹۹۵) در کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج تحت عنوان تنهایی آورده شده است. گاتمن (۱۳۸۷) در توضیح این مقیاس بیان می کند که زمانی که زوج ها هنوز رسماً زن و شوهر هستند ولی آنچنان احساس انزوا می کنند که تفاوت چندانی میان زن و شوهر بودن آنها و تنها زندگی کردن وجود ندارد، این حالت را تجربه می کنند. این پرسشنامه شامل آیتم هایی است که طلاق عاطفی و همچنین حالت عاطفی تنهایی را هم می سنجد. این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال به صورت موافقم و مخالفم است. پاسخ های بلی نمره ۱ و به پاسخ های خیر نمره ۰ تعلق می گیرد. بیش از ۷ بله به معنی این است که فرد نامزد خوبی برای طلاق عاطفی است. بر اساس

⁵ Alvarez, Cabreira and Thomas

پژوهش بیات مختاری (۱۳۹۲) پس از ترجمه مجدد این مقیاس، از چهارتن از متخصصان در این زمینه، نظرخواهی و روایی صوری آن حاصل شده است. آلفای کرونباخ تست برای شوهر ۰/۹۱ و برای زن هم ۰/۹۱ ارائه شده است (گاتمن، ۱۹۹۹). صلابانی و اصغری (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای زن و ۰/۸۷ نیز برای شوهر محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم افزار spss22 استفاده شد.

مقیاس دلزدگی تحصیلی: یکی از مقیاس های فرعی پرسشنامه هیجان های پیشرفت (پکران، گوئتز و پری، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵) است. این مقیاس فرعی ۲۲ سؤالی به منظور اندازه گیری سطح دلزدگی دانش آموزان در حین کلاس و یادگیری طراحی شده است. با این حال، به دلیل بار عاملی مناسب تمامی گویه ها معمولاً پژوهشگران (برای مثال پکران و همکاران، ۲۰۱۰؛ تسه و همکاران، ۲۰۱۴) ترجیح می دهند که از ۵ یا ۶ سؤال دلزدگی کلاسی یا دلزدگی مرتبط با یادگیری استفاده کنند. در پژوهش حاضر نیز از نسخه های کوتاه استفاده شده است. برای نمره گذاری، پاسخ دهنده باید بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (از ۱=کاملاً مخالف تا ۵=کاملاً موافق) به پرسش ها پاسخ دهد. پکران و همکاران (۲۰۰۲) با تحلیل عامل اکتشافی روایی سازهای این عامل را به عنوان یکی از مقیاس های فرعی پرسشنامه هیجان های تحصیلی نشان دادند. این محققان، ضریب پایایی آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ را برای هر دو وجه این مقیاس فرعی گزارش کردند. تسه، کلاسن، دنیلز، لای و زانک (۲۰۱۳) نیز ویژگی های روان سنجی مقیاس دلزدگی مرتبط با یادگیری را برای دو فرهنگ چینی و کانادایی مطلوب گزارش کردند. در ایران کدیور، فرزاد، کاووسیان و نیکدل (۱۳۸۸) روی دانش آموزان دبیرستانی روایی سازهای پرسشنامه هیجان های پیشرفت و مقیاس فرعی دلزدگی را احراز کردند. این پژوهشگران نشان دادند که ضریب پایایی آلفای این دو مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۸۴ و ۰/۸۶ است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این مقیاس با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۹۰ بدست آمد.

همچنین جهت سنجش افت تحصیلی دانش آموزان از معدل کارنامه دانش آموزان استفاده شد

۳- بحث درباره یافته ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار در متغیرهای افت تحصیلی، دلزدگی تحصیلی و طلاق عاطفی را نشان می دهد.

جدول ۱. یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
افت تحصیلی	۱۶/۳۸	۱/۶۸۹
دلزدگی از کلاس	۴۱/۸۵	۱/۶۰۴
دلزدگی از یادگیری	۳۹/۶۷	۱/۲۴۵
طلاق عاطفی	۱۵/۲۳	۱/۴۵۲

بررسی نرمال بودن داده ها

جدول ۲ توزیع نرمال بودن داده ها

متغیر	Z آماره کلموگروف اسمیرنوف (Sig)	سطح معناداری
افت تحصیلی	۰/۱۴۲	۰/۰۷۴
دلزدگی از کلاس	۰/۱۹۹	۰/۰۶۷
دلزدگی از یادگیری	۰/۱۸۱	۰/۰۵۳
طلاق عاطفی	۰/۱۸۷	۰/۰۶۱

همان طور که ملاحظه می شود برای کلیه متغیرهای تحقیق، سطح معنی داری آزمون بالاتر از ۰/۰۵ می باشد که فرض نرمال بودن داده ها مورد تأیید قرار می گیرد. راه دیگر این است که به مقدار Z کلموگروف- اسمیرنوف در جدول نگاه کنیم. اگر مقدار آن کوچکتر از ۱/۹۶+ و بزرگتر از ۱/۹۶- بود،

با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه می‌گیریم بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر توزیع جامعه نرمال است. بنابراین با اثبات نرمال بودن، برای بررسی رابطه بین متغیرها از آزمون پارامتری پیرسون استفاده می‌کنیم. جهت بررسی رابطه خطی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است

جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول در پژوهش حاضر

متغیر		آماره			
۱	افت تحصیلی	-			
۲	دزدگی از کلاس	۰/۶۸۴	-		
۳	دزدگی از یادگیری	۰/۷۳۱	۰/۷۴۵	-	
۴	طلاق عاطفی	۰/۶۳۴	۰/۶۵۷	۰/۶۲۴	-

با توجه به داده‌های جدول ۳ مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری $P < ۰/۰۵$ بوده و با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی پیرسون می‌توان بیان داشت که بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در پژوهش حاضر رابطه خطی مثبت و معنی دار وجود دارد برای بررسی رابطه چندگانه بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول در پژوهش حاضر از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول در پژوهش حاضر

شاخص‌های آماری	نسبت F		ضریب تعیین $RS(R^2)$	همبستگی چندگانه MR
	احتمال p (برای خطی بودن رگرسیون)			
	$F = ۳۵/۳۶^{**}$		$R^2 = ۰/۳۳۴$	$R = ۰/۵۷۸$
متغیر	B		β	سطح معناداری sig.
ثابت	۲۶/۶۶۸		-	۰/۰۰۰
افت تحصیلی	۱/۲۴۴		۰/۲۵۶	۰/۰۱۶
دزدگی از کلاس	۰/۲۰۲		۰/۰۵۱	۰/۰۰۰
دزدگی از یادگیری	۰/۰۸۶		۰/۰۳۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود (Enter)، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول در پژوهش حاضر برابر با $MR = ۰/۵۷۸$ و $R^2 = ۰/۳۳۴$ می‌باشد که در سطح $۰/۰۵$ معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان داشت که بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول شهرستان ایذه رابطه چندگانه وجود دارد و فرضیه پژوهش پژوهش تایید می‌گردد.

۴- نتیجه گیری

طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود (Enter)، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی بین افت تحصیلی و دزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول در پژوهش حاضر برابر با $MR = ۰/۵۷۸$ و $R^2 = ۰/۳۳۴$ می‌باشد که در

سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد. بنابراین می توان بیان داشت که بین افت تحصیلی و دلزدگی تحصیلی با طلاق عاطفی والدین در دانش آموزان متوسطه اول شهرستان ایذه رابطه وجود دارد و فرضیه پژوهش پژوهش تأیید می گردد.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج فتحی (۱۴۰۰)، نظری و ضیائی (۱۳۹۷)، قمری و خشنودی نیا (۱۳۹۵) و شصت فولادی و منشئی (۱۳۹۴) هم سو و هم راستا می باشد.

هر نوع چالشی میان والدین برای فرزندان شامل یک سری تبعات خواهد بود. از مهم ترین این تبعات افت تحصیلی و دلزدگی تحصیلی در فرزندان است. در طلاق عاطفی ممکن است والدین هیچ گونه مشاخره ای با یکدیگر نداشته باشند. در این میان والدین نسبت به یکدیگر بسیار با سردی رفتار می کنند. در مورد مسائل زندگی و فرزندان با یکدیگر صحبت نمی کنند. تحت هیچ شرایطی از یکدیگر حمایت نمی کنند. زمانی که فرزندان شاهد این مسائل هستند احساس می کنند تنها هستند و هیچ کس را ندارند که دلسوز آن ها باشد. فرزندان آن احساس حمایت و امنیتی که لازم است را از خانه و خانواده دریافت نمی کنند. این احساس تنهایی، بی کسی و عدم داشتن حامی برای فرزندان آسیب زا می باشد عدم احساس حمایت والدین و سردی و بی توجهی آن ها باعث بروز حس انتقام جویی در فرزندان می شود. گاهی این انتقام جویی خود را به شکل درس نخواندن نشان می دهد و باعث افت تحصیلی می شود همچنین زمانی که فرزندان دائماً در محیط خانه در تنش هستند. دائماً نگران هستند که اتفاق بدی نیفتد. گاهی والدین با فرزندان در خصوص مشکلات درد و دل می کنند. این استرس های ذره ذره و دائمی در وجود فرزند باقی می ماند و باعث بروز اضطراب در او می شود که تأثیر آن به طور قابل توجهی به شکل دلزدگی و درنهایت افت تحصیلی بروز می کند.

با توجه به حساسیتی که دوره نوجوانی دارد وجود رابطه سرد در خانواده، معمولاً باعث می شود نوجوانان به تماس های تلفنی طولانی با دوستان، چت کردن و وبگردی های افراطی تمایل پیدا کنند و در نتیجه غفلت والدین، ممکن است فرزندان به سمتی کشیده شوند که هر کاری را که دوست دارند، انجام دهند و این خود سرآغازی برای آسیب های مختلف خانوادگی - اجتماعی است بی عاطفگی همسران بر روی فرزندان پسر و دختر تأثیر متفاوتی دارد و معمولاً در پسران با رفتارهای بیرونی و کنترل نشده و در دختران بیشتر با اختلال های روانی مانند اضطراب و استرس همراه است. لذا پیشنهاد می شود با ایجاد فرهنگ سازی های کارآمد که پیش از ازدواج و همچنین در طول زندگی مشترک باید اتفاق بیافتد، از ایجاد چنین پدیده ی نافرجامی تا حد ممکن پیشگیری کرد.

منابع

- آزادی، شهذخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا؛ قلی پور، گلناز (۱۳۸۹). ارزیابی عامل اجتماعی زمینه ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره برداری نفت گچساران. فصلنامه زن و بهداشت شماره ۳: ۱۰۳ تا ۱۱۷.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۳: ۱ تا ۲۰.
- ترکمان، فرح؛ اسکافی، مریم؛ عیدگاهیان، ندا؛ سهرابی، ایرج. (۱۳۹۳). همگنی، صمیمیت و طلاق عاطفی با استفاده از نرم افزار تحلیل شبکه. معرفت فرهنگی - اجتماعی. شماره ۶: ۲۵-۵۰.
- خوبی نژاد، غلامرضا و علیرضا، ربایی (۱۳۹۰). تعارض والد-نوجوان و بزه دیدگی رفتاری: یک مدل جدید در تبیین بزه دیدگی. ستیر، ویرجینیا (۲۰۱۰)، آدم سازی در روا شناسی خانواده. ترجمه بهروزی (۱۳۹۸). تهران: انتشارات رشد.
- شجاعی شمیرانی، رضا، ابراهیم زاده، عیسی، شفیق، نرگس، نوروز زاده، رضا، (۱۳۹۷). بررسی فراتحلیلی بعضی عوامل خانوادگی، فردی و آموزشی مؤثر در افت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۷: ۱(۱۴۵)، ۵۲-۳۳.
- شصت فولادی، مهتاب و منشئی، غلامرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه طلاق عاطفی والدین با عملکرد تحصیلی، اضطراب و امنیت اجتماعی در دانش آموزان دختر پایه هفتم و هشتم شهر اصفهان، همایش بین المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی.
- شفیعی، صابر و دوستی، انور، (۱۳۹۹). بررسی دلایل افت تحصیلی دانش آموزان، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۲(۱۳)، ۵۳-۴۲.
- صفائی راد، سوری؛ وارسته فر، افسانه (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به دادگاه های شرق تهران سال ۱۳۹۰. فصلنامه پژوهش اجتماعی. شماره ۲۰: ۸۵ تا ۱۰۹.
- فتحی، کبری. (۱۴۰۰). تأثیرات منفی طلاق و فروپاشی خانواده بر افت تحصیلی فرزندان در مقطع ابتدایی، رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی سال دوم، شماره ۵، ۳۲۴-۳۰۹.
- قمری گیوی، حسین، خشنودنیا ی چماچایی، بهنام. مقایسه مهارت های اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق و عادی، خانواده پژوهی سال دوازدهم بهار ۱۳۹۵ شماره ۴۵، ۹۲-۶۹

فریدون نژاد، مژگان. (۱۴۰۰)، نقش و تاثیر بلوغ دختران در افت تحصیلی و راهکار هایی جهت حل مشکل، مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱۸۲-۱۶۲.

گاتمن، جان (۱۳۸۸). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه ارمان جازایی. تهران: انتشارات خجسته.

نظری گزنق، فاتزه، ضیایی، گیتی. (۱۳۹۷). تاثیر اختلالات عاطفی موجود در خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

هالفورد کیم. (۱۳۹۴). زوج درمانی کوتاه مدت، ترجمه مصطفی تبریزی، مژده کاردانی و فروغ جعفری، چاپ اول. تهران: انتشار فراروان.

Alvarez PY, Cabrera L, Thomas J. (2012). The problem of university drop out. *Revista Electronica de Investigation Evaluation Educative*; 12(2): 171-203.

Daschmann, E. C. Goetz, T., & Stupnisky, R. H. (2011). Testing the predictors of boredom at school: Development and validation of the precursors to boredom scales. *British Journal of Educational Psychology*, 81, 421-440.

EbrahimKafouri K, Maleki H, Khosrobabadi A. Investigating the role of Klein curriculum elements in academic failure, examining the first year of high school mathematics from the perspective of course partners. *Research in Curriculum Planning, Twelfth Year, 2015*; 2, 17 (44): 50-62.

Glasser, W. (2004). *Marriage without fail: integration*. Stanford: Stanford University Press.

Mann, S., & Robinson, A. (2009). Boredom in the lecture theatre: An investigation into the contributors, moderators and outcomes of boredom amongst university students. *British Educational Research Journal*, 35(2), 243-258.

Musai, Maysams & et al., (2011). "The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran". *British journal of Arts and Social Sciences*. Vol.1 No.2.

Nett, U. E., Goetz, T., & Hall, N. C. (2011). Coping with boredom in school: An experience sampling experience. *Contemporary Educational Psychology*, 36, 49-59.

Pekrun, R., Goetz, T., Titz, W., & Perry, R. P. (2002). Academic emotions in students' self-regulated learning and achievement: A program of qualitative and quantitative research. *Educational Psychologist*, 37, 91-105.

Pekrun, R., Goetz, T., Perry, R. P., Kramer, K., Hochstadt, M., & Molfenter, S. (2004). Beyond test anxiety: Development and validation of the test emotions questionnaire (TEQ). *Anxiety, Stress, and Coping*, 17, 287-316.

Pekrun, R., Goetz, T., & Perry, R. P. (2005). *Achievement Emotions Questionnaire (AEQ). User's manual*. Munich, Germany: Department of Psychology, University of Munich.

Pekrun, R., Goetz, T., Daniels, L., Stupnisky, R. H., & Perry, R. P. (2010). Boredom in achievement settings: Exploring control-value antecedents and performance outcomes of a neglected emotion. *Journal of Educational Psychology*, 102(3), 531-549.

Schramm, David. (2016). "Individual and Social Costs of Divorce in Utah" *Journal of Family and Economic Issues*, Vol. 27(1).

Tze, V.M.C., Klassen R.M., & Daniels, L.M. (2014). Patterns of Boredom and Its Relationship with Perceived Autonomy Support and Engagement. *Contemporary Educational Psychology*, Volume 39, Issue 3, 175-187.

Tze, V.M.C., Klassen R.M., Daniels, L.M., Li, J. C.-H., & Zhang, X. (2013). A cross-cultural validation of the Learning-Related Boredom Scale (LRBS) with Canadian and Chinese college students. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 31, 29-39.

Vogel-Walcutt, J. J. Fiorella, L., Carper, T., & Schatz, S. (2012). The Definition, Assessment, and Mitigation of State Boredom within Educational Settings: A Comprehensive Review. *Educ Psychol Rev* 24:89-111.

Wegner, L., Flisher, A. J., Chikobvu, P., Lombardd, C., & King, G. (2008). Leisure boredom and high school dropout in Cape Town, South Africa. *Journal of Adolescence*, 31, 421-43.

